

**Transparency policy in the field of banking transactions (with emphasis on the new law of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran 3/30/1402)**

Seyed Ibrahim Mortazavi<sup>1</sup>

Received: 25 June 2023

Mustafa Humble<sup>2</sup>

Reception: 13 November 2023

Amir Irvanian<sup>3</sup>

**Abstract**

Undoubtedly, the realization of the fundamental category of transparency at different levels of governance will play an undeniable role in preventing administrative-financial corruption. Since decision-making and policy-making in the field of banking transactions affect all aspects of citizens' lives as well as the activities of legal entities, therefore, the importance of this issue in the discussed field will become more apparent. In the new law of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran, very effective and defensible mechanisms such as the need to complete the non-conflict worksheet by the decision-making managers, the principle of the need to publish the negotiations and approvals of the Central Bank, increasing transparency in the performance of legal entities under supervision and also monitoring the actions of suspects To money laundering and... in the direction The increase in transparency has been identified, which is of course insufficient. Therefore, in the present research, we investigate and recognize the principle of transparency in the realm of banking transactions, emphasizing the new law of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran approved on .۱۴۰۲/۳۰/۳

---

1 PhD student in criminal law and criminology, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

2Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran (corresponding author)

3Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

### سیاست شفافیت در قلمرو معاملات بانکی

(با تاکید بر قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰)

سیدابراهیم مرتضوی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

مصطفی فروتن<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۲

امیرایروانیان<sup>۳</sup>

### چکیده

بی تردید، تحقق مقوله بنیادین شفافیت در سطوح مختلف حکمرانی، نقش غیرقابل انکاری در راستای پیشگیری از فسادهای اداری- مالی خواهد داشت. از آنجا که تصمیم سازی و سیاست گذاری در قلمرو معاملات بانکی، تمامی جنبه های زندگی شهروندان و نیز، فعالیت های اشخاص حقوقی را تحت تاثیر قرار می دهد، از این رو، اهمیت این موضوع در قلمرو مورد بحث، بیش از پیش آشکار خواهد شد. در قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازوکارهای بسیار موثر و قابل دفاعی همچون لزوم تکمیل کاربرد عدم تعارض از سوی مدیران تصمیم ساز، اصل لزوم انتشار مذاکرات و مصوبات بانک مرکزی، افزایش شفافیت در عملکرد اشخاص حقوقی تحت نظارت و همچنین نظارت بر اقدامات مظنون به پولشویی و... در جهت افزایش شفافیت مورد شناسایی قرار گرفته که البته ناکافی است. از این رو در تحقیق حاضر به بررسی و شناخت اصل شفافیت در قلمرو معاملات بانکی با تاکید بر قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰ می پردازیم.

واژگان کلیدی: سیاست، نظارت پذیری، معاملات بانکی، قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران seydeb.mortazavi@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) forutanmostafa@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران Amir\_iravani@yahoo.com

با توجه به اهمیت نظام مالی در عملکرد اقتصادی، سلامت شبکه بانکی همواره مورد توجه سیاست گذاران بوده و دولتها پیوسته در تلاش اند با تنظیم مقررات و ایجاد سیستم نظارت کارآمد، سلامت این بخش مهم از اقتصاد را تأمین کنند. همزمان با افزایش پیچیدگی و پویایی فعالیت بانکها در سالیان اخیر، هدف دستیابی به شفافیت، دچار چالش بیشتری شده است. چالش مقوله شفافیت در حالی افزایش یافته است که به دلیل توسعه گستره فعالیت بانکها در بازار و در نتیجه افزایش این توان بالقوه که انضباط بازار به عنوان مکملی برای نظارت عمل می نماید؛ مزایای بالقوه افشای اطلاعات نیز آشکارتر شده است. برای یک نظام بانکی ایمن و سالم که به شیوه مؤثری نظارت می شود، شفافیت عامل مهمی به حساب می آید. امانوئل کانت، شفافیت را یک نوع آزمون برای مشروعیت میدانند. در واقع شفافیت مقوله ای است که هم در جهت تقویت رابطه حکومت با شهروندان و هم یک حرکت اساسی در افزایش بهره وری سیاست گذاری، قلمداد گردیده و یکی از مولفه ها و معیارهای اصلی اداره ی مناسب و عادلانه جامعه به حساب می آید. شفافیت یک خاصیت عمومی است. اصل شفافیت، موضوع جدیدی نیست و در آموزه های دینی نیز مفهوم و محتوای شفافیت مورد اشاره قرار گرفته است؛ همچنان که رویه ی پیشوایان اسلام، نیز، مؤید اصل شفافیت و عدم احتجاب آنها در تعامل با جامعه است. همچنین در زمینه سیاست کیفری نیز، این امر بیانگر مهندسی کیفری عکس العمل مناسب در برابر جرم و مجرم و خطوط کلی طرز برخورد موفقیت آمیز در مواجهه با جرم میباشد. ویژگیهای کیفی شفافیت اطلاعات عبارتند از جامعیت، مرتبط و به موقع بودن، قابلیت اعتماد، قیاس پذیری و اهمیت است. از فواید بکارگیری اصل شفافیت می توان به اداره ی صحیح و با برنامه ی اقتصاد، جلوگیری از وقوع فساد و ایجاد رانت، پرداخت عادلانه ی یارانه های عمومی، جلوگیری از انواع فساد اداری- مالی و... اشاره نمود.

(با تاکید بر قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰)

بی تردید، یکی از عواملی که ایجاد فساد میکند، منتشر نشدن اطلاعات اقتصادی و عدم شفافیت در اقتصاد است. رانت های گسترده، قاچاق کالا، زمین خواری های وسیع، سوداگری در بخش ارز و... از مصادیق فساد در صورت نبود شفافیت اقتصادی است. در واقع در چارچوب شفافیت، از طرح الگوهای غیرمنصفانه، جانبدارانه و نامطلوب جلوگیری به عمل می آید که این الگوها، با تفکیک غیر قابل توجیه حقوق و تکالیف شماری از اشخاص نسبت به سایر افراد جامعه، تعیین و تشدید رویه های تبعیض آمیز و آلوده به فساد را پی ریزی می نمایند. با درک اهمیت این موضوع، در مقاله حاضر، به تبیین مفهوم شفافیت و همچنین رویکرد قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰ در این خصوص پرداخته خواهد شد.

## ۲. مفهوم شفافیت در معاملات بانکی

شفافیت، اصل توانمند ساختن عموم برای به دست آوردن اطلاعات در مورد عملیات و ساختارهای یک نهاد معین تعریف می شود. بانک جهانی دارای معیار جامعی برای سنجش شفافیت و میزان ارتباط آن با مقوله فساد است. یکی از راهکارهای اساسی مبارزه با فساد، محدود ساختن فعالیتهای اقتصادی دولت و تشویق بخش خصوصی به مشارکت در فعالیتهای اقتصادی است. در حوزه بودجه بندی، خط مشی گذاری و تنظیم رویه ها، برابری بخشی استفاده از منابع و کاهش فساد و اتلاف منابع تأثیر شایان توجهی دارد. بروز بودن داده ها، ایده ها و چشم اندازهای نهادهای مالی مسیر تازه های از شفافیت سازمانی را فرا روی آنها قرار می دهد و نویدبخش کاهش فساد و بهبود عملکرد آنهاست. شفافیت در بیشتر موارد با «علنی بودن» و «افشاگری»، مترادف در نظر گرفته می شود. به باور برخی صاحب نظران، شفافیت با «قطعیت حقوقی» نیز مرتبط است، اگر چه نباید این همانی بین آن دو برقرار کرد. همچنین شفافیت، واژه ای موسع است که بر بخش های گوناگونی اعمال می شود: «شفافیت سازمانی»، «شفافیت حسابداری و بودجه»، «شفافیت اعمال و مسئولیت های حکومت» و «شفافیت اسنادی».

پژوهش‌های متعددی در حوزه شفافیت به طور کلی و نیز، در حوزه شفافیت اسنادی به طور جزئی صورت گرفته است.<sup>۱</sup> شفافیت سریع‌ترین، کم‌هزینه‌ترین، ساده‌ترین، مبنایی‌ترین و قابل‌اعتمادترین سازوکار برای مبارزه با فساد (هم در پیشگیری و هم کشف جرم)، افزایش مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، ارتقاء شایسته‌سالاری، مشارکت فعال و مؤثر مردمی، کاهش هزینه و زمان، و در نتیجه افزایش کارآمدی و سرمایه‌ی اجتماعی است. شفافیت یعنی ارائه حق اطلاعاتی: اطلاعاتی که باید، در زهانی که باید، در قالبی که باید، با کیفیتی که باید، در محلی که باید، و به مخاطبی که باید ارائه شوند. لذا وقتی همه این شروط باشند، شفافیت حاصل شده است. کمتر یا بیشتر از آن می‌شود عدم شفافیت. لذا شفافیت الزاماً به معنای ارائه همه اطلاعات به همه افراد نیست. معنای شفافیت در طول سال‌ها (بویژه در دهه گذشته) تغییر جدی یافته است. این تغییرات عمدتاً ناشی از تحولات مهم در عرصه‌های فناوری و اجتماعی بوده است. ناگفته پیداست که با استمرار این تحولات، معنای شفافیت نیز تکامل می‌یابد. برای نمونه در گذشته «دسترسی به اطلاعات» مترادف شفافیت بود، اما امروزه تنها «استفاده‌پذیری اطلاعات» (با تعریف و دقت‌های حقوقی و فنی زیادی) مصداق آن است. شفافیت علیرغم سادگی ظاهر،

(با تاکید بر قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰)

سیاست شفافیت در قلمرو معاملات بانکی

<sup>1</sup> . For instance: Erkkilä, T., *Government Transparency Impacts and Unintended Consequences*, London: Palgrave Macmillan, 2012; Florini, A., *The Right to Know Transparency for an Open World*, New York: Columbia University Press, 2007; Lathrop and Ruma, *Open Government*, Sebastopol: O'Reilly Media, 2010; De Fine Licht & Others, "Does transparency generate legitimacy? An experimental study of procedure acceptance of open and closed-door decision-making", QoG Working Paper Series, 2011, Vol. 8, No. 1, p.p. 1-32; Etzioni, A., "Is Transparency the Best Disinfectant?" *The Journal of Political Philosophy*, 2010, Vol. 18, No. 4, p.p. 389-404  
2-For instance: Pasquier & Villeneuve, "Organizational barriers to transparency: a typology and analysis of organizational behavior tending to prevent or restrict access to information", *International Review of Administrative Sciences*, 2007, Vol. 73, Issue 1, p. 148

اما دقت‌های حقوقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فنی گسترده‌ای دارد. همین مسئله سبب شده در طول ده‌ها سال از آن غفلت و به گزاره‌هایی کلی بسنده کنیم.

شفافیت اقتصادی، به معنای در دسترس قرار دادن داده‌های بیشتر و بهتر در مورد وضعیت مالی بانک‌ها و سایر شرکت‌ها است. شفافیت یکی از مهم‌ترین روش‌های تنظیم اقتصاد می‌باشد. بر اساس تعریف سازمان تجارت جهانی<sup>۲</sup>، شفافیت اقتصادی عبارت است از درجه‌ای که سیاست‌ها و عملکردهای تجاری و فرایند تحقق آنها باز و قابل پیش‌بینی باشد. پس شفافیت اقتصادی سه مؤلفه اصلی دارد:

۱. افشاء<sup>۳</sup>: کسب اطلاعات ارائه شده و سطح دسترسی برای گروه‌های ذینفع
۲. صحت<sup>۴</sup>: اطلاعات، همانگونه که فرستنده درک کرده، توسط مخاطب دریافت شود.
۳. عدم ابهام<sup>۵</sup>: بیان و ارائه، نوع رسانه، حساسیت متنی، به انسجام زبانی، مدیریت و حجم صدا و ارتباط که گنگ نباشد.

نبود و یا کمبود شفافیت اطلاعات در اقتصاد ایران، همواره توسط کارشناسان به عنوان عاملی در جهت فرار از نظارت بر عملکرد بخش‌های فعال در اقتصاد ایران از جمله بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری و در نتیجه افزایش فساد اقتصادی عنوان شده است. بند نوزده سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز، دستگاه‌های مربوط را ملزم به شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی تجاری ارزی و غیره نموده است. فقدان شفافیت حکومتی (سیاسی) زیرساخت و مسبب اصلی فقدان شفافیت اطلاعاتی (اقتصادی) است. زیرا اگر شفافیت اطلاعاتی (یعنی انبوهی از سامانه‌ها و زیرسامانه‌ها در تعامل با یکدیگر در حوزه‌های مختلف) وجود ندارد، دلیلش در ناکارآمدی و ضعف مبنایی سیستم است که این موارد اخیر ریشه در فقدان شفافیت حکومتی

2 . W.T.O

3 . DISCLOSURE

4 . ACCURANCY

5 . CLARITY

دارد. اولویت‌بخشی و پرداختن به نوع دوم از شفافیت تخصص افرادی است که در هر حوزه از مسائل کشور در حال فعالیت (اندیشه، سیاست‌گذاری، اجرا، نظارت) هستند: سلامت، مسکن، بانک و بیمه و بورس، تجارت و مالیات، انرژی، حمل‌ونقل، معدن، ...

تعاریف مختلفی از مفهوم شفافیت ارائه گردیده است. در یک تعریف؛ شفافیت را جریان رو به افزایش<sup>۶</sup>، به موقع و قابل اتکای<sup>۷</sup> اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در دسترس همه ذینفعان مرتبط با موضوع قرار گیرد، تعریف نموده است.<sup>۸</sup>

در تعریفی دیگر، شفافیت به معنی قابلیت دسترسی به اطلاعات دانسته شده است. شفافیت به معنی امکان نگاه کردن به درون یک چیز است؛ به منظور فهمیدن آنچه در درون آن می‌گذرد. یک موسسه شفاف، موسسه‌ای است که افراد درون و بیرون آن بتوانند به منظور شکل دادن به نظراتشان، اقدامات و فرایندهای درون آن موسسه، اطلاعات مورد نیازشان را به دست آورند.<sup>۹</sup>

در تعریف دیگر شفافیت در مقابل اختفاء<sup>۱۰</sup>، مفهوم سازی شده و بیان می‌دارد که شفافیت، انتشار اطلاعاتی توسط موسسات است که مرتبط با ارزیابی آنها باشد. اختفاء نیز، به معنای مخفی کردن عاملان اقدامات و شفافیت به معنی بازنمایی عاملان آنها است.<sup>۱۱</sup>

6 . INCREASED FLOW

7 . RELIABLE

8 . KAUFMAN, BELLVERAND DANIEL, ANA, TRANSPARENCING TRANSPARENCY: INITIAL EMPIRICS AND POLICY APPLICATIONS, MUNICH PERSONAL REPEC ARCHIVE, 2005, P.4

9 . LINDSTEDT, NAURIN AND CATHRINA, DANIEL, TRANSPARENCY AGAINST CORRUPTION. A CROSS-COUNTRY ANALYSIS, MANUSCRIPT. GOTEBORG UNIVERSITY, 2007, P. 6.

10 . SECRECY

11 . STURGES, PAUL, WHAT IS THIS ABSENCE CALLED TRANSPARENCY? , INTERNATIONAL REVIEW OF INFORMATION ETHICS, VOL.7, NO.26, 2007, P. 5.

موسسه GEMI<sup>12</sup>، در گزارشی با عنوان "شفافیت راهی به سوی اعتماد عمومی"، شفافیت را اینگونه تعریف کرده است: شفافیت، میزان گشودگی یک سازمان یا میزان توجه به، در اشتراک گذاری اطلاعات در مورد نحوه عملکردش است. شفافیت از طریق مذاکره دو طرفه و پاسخگو<sup>13</sup> تقویت می‌شود.

تعریف خلاصه‌تری از شفافیت نیز ارائه گردیده است که بر مبنای این تعریف، شفافیت اطلاعات به عنوان درجه قابل مشاهده بودن و در دسترس بودن اطلاعات تعریف می‌شود<sup>14</sup>.

با همه این تعاریفی که ارائه گردید، برنامه توسعه ملل متحد UNDP، فساد را برابر با افزایش در انحصار قدرت و صلاح‌دید شخصی و کاهش در پاسخگویی اعتماد و درستی و شفافیت می‌داند که در واقع در این تعریف اخیر، شفافیت نقطه مقابل فساد است.

به صورت خلاصه و بر اساس تعاریف فوق، شفافیت را می‌توان اینگونه تعریف کرد: قابلیت دسترسی به قابل اتکاء و به موقع برای همه ذینفعان و پرهیز از مخفی کردن عامدانه اطلاعات دانست<sup>15</sup>. شفافیت اقتصادی چنان اهمیت دارد که بانک جهانی شاخص‌های حکمرانی را در محورهای زیر اعلام نموده که یکی از این شاخص‌ها کنترل فساد می‌باشد که ارتباط مستقیم و غیر قابل انکاری با موضوع شفافیت دارد. به عبارتی، نتیجه شفافیت کنترل فساد خواهد بود. این شاخص‌ها عبارتند از: ۱. مسئولیت پذیری دولت ۲. ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت ۳. کارآمدی و اثربخشی دولت ۴. کیفیت نظارتی ۵. حکمرانی قانون ۶. کنترل فساد. از

<sup>12</sup> . GLOBAL ENVIRONMENTAL INITIATIVE

<sup>13</sup> . TWO- WAY, RESPOSIVE DIALOGUE

<sup>14</sup> . ZHU, KEVIN, " INFORMATION TRANSPARENCY OF BUSINESS – TO- BUSINESS ELECTRONIC MARKETS: A GAME – THEORETIC ANALISIS", MANAGEMENT SCIENCE, VOL.50, NO.5,2004, P. 1.

<sup>15</sup> . عبدالله زاده، رحمت الله، عبداللهی آرای، مصعب، غفورزاده، حسین، شفافیت اقتصادی در اقتصاد اسلامی ( با پافشاری بر منابع قرآنی و روایی)، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ۱۷، شماره ۶۸، زمستان ۹۶، ص ۳۸

این رو، با مفهومی که از مقوله بنیادین شفافیت ارائه گردید، ضروری است که در قلمرو معاملات به جایگاه این مقوله بنیادین پرداخته شود.

#### ۴. مبانی و ضرورت های شفافیت در معاملات بانکی

صنعت بانکداری<sup>۱۶</sup>، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها در عملیات بانکی شامل سیاست گذاری و برنامه‌ریزی و سازماندهی و اجرا می‌باشد و به عبارتی دیگر، مدیریت تجهیز و تخصیص منابع در بازار پول را بانکداری می‌گویند. صنعت بانکداری در همه کشورها اهمیت بسیار زیادی دارد چرا که این نهاد تامین کننده مالی و پشتیبان مالی در سطوح خرد و کلان جامعه است. در سطح کلان پروژه‌های بزرگ ملی و دولتی و در زمینه ها و سطوح مختلف از منابع بانکی بهره‌گیری می‌شود. در سطح خرد نیز، در و زمینه‌های گوناگون و از حیات شرکت‌های کارآفرین گرفته تا زندگی یک فرد معمولی به منابع مالی بانک‌ها وابسته است.

برخلاف زمانهای گذشته که مبادلات پولی بین افراد جامعه عمدتاً از طریق فیزیکی صورت می‌گرفت، امروزه عمده مبادلات پولی از طریق نهادی به نام بانک صورت می‌گیرد و به واسطه توسعه تجارت بین‌المللی، این مبادله از سطح داخلی به سطح بین‌المللی نیز توسعه پیدا کرده است. سهولت انجام این مبادلات و نیز ایمن بودن فیزیکی آن، بانک را به نهادی قابل اعتماد برای مردم به طور عام و برای تجار، به‌طور خاص تبدیل کرده است. قانون‌گذاران نیز در جوامع مختلف مقرراتی را برای تضمین این اعتماد وضع کرده‌اند و هدف تمامی این مقررات، معرفی بانک به‌عنوان واسطه‌ای قابل اعتماد و قابل اتکا است.

از جمله این مقررات، می‌توان به نقش بانک‌ها در روابط مالی اشاره نمود. برای مثال، نقش امانت داری بانک نسبت به اموالی که به بانک سپرده می‌شود، قبول سپرده‌ها و مسئولیت مطلق بانک در پاسخگویی به مشتریان در صورت مفقود شدن یا از بین رفتن سپرده‌ها از جمله آنها به شمار می‌رود. امروزه بانک، یک نهاد و سازمان مالی و اقتصادی بسیار حساس تلقی می‌گردد که عدم وجود نظامات نظارتی مؤثر می‌تواند بستر سوءاستفاده و تخلفات گسترده‌های را

در آن فراهم آورد که عواقب اجتماعی و اقتصادی وسیعی در سطح اجتماع به بار آورده و چه بسا نه تنها کل نظام اقتصادی و بانکی یک کشور، بلکه کل نظام مالی جهان را نیز تحت تأثیر قرار دهد. این نهاد اقتصادی، به دلیل پیچیدگی ساختار و عملیات اعتباری متنوع، در عین لحاظ شدن به عنوان ستون اقتصاد کشور، می‌تواند از دیدگاه حقوقی نیز، اقتصاد کشور را مورد مخاطره قرار دهد و از دیدگاه کیفری نیز زمینه‌ساز بروز انواع جرائمی مانند ارتشاء، پولشویی، کلاهبرداری، صدور چک بلامحل، خیانت در امانت، اختلاس و انواع جرائم بانکی شود. بنابراین استقرار یک نظام حقوقی دقیق و منسجم در جهت ایجاد و استمرار مقرره‌های لازم در جهت تضمین سودآوری و همچنین پیشگیری و مجازات مرتکبین جرائم احتمالی، اجتناب ناپذیر است. در خصوص عکس‌العمل جوامع مختلف نسبت به بی‌نظمی پولی و مالی هماهنگی خاصی وجود ندارد و کشورها از نظر شدت و ضعف اقدامات پیشینی یا پیشگیرانه و اقدامات پسینی، رویکردهای متفاوتی دارند. بدیهی است که در این میان، اقدامات پیشینی یا پیشگیرانه، قطعاً نسبت به مقررات پسینی از جمله مجازاتها، از بازدهی و اثربخشی بیشتری برخوردارند. یکی از مهم‌ترین این مقرره‌ها، مقرره‌های مربوط به راهبری شرکتی یا حاکمیت شرکتی و به تعبیر بانک مرکزی، حاکمیت سهامی یا اداره سازمانی است که به منظور اطمینان حاصل کردن و جلوگیری از خطرات در فعالیتهای مدیران شرکتها و مسائل اطراف آنها می‌باشد. پیش از هر چیز، در باب مفهوم اولیه حاکمیت شرکتی، باید به نظام ارتباطی بین مالکیت سهامی با سازوکارهای کنترل و نظارت اشاره کرد. اساساً، تفکیک مالکیت و کنترل در سازمانها، عدم تقارن اطلاعات میان سهام داران و مدیران را به وجود می‌آورد. در نتیجه، سهام داران با ریسک نمایندگی مواجه می‌شوند. ریسک نمایندگی بدین معناست که اصولاً تمایلات شخصی در مدیران بانکها، ایشان را وادار به در نظر گرفتن منافع شخصی خود می‌نماید و این امر می‌تواند منجر به محیطی مساعد جهت سوءاستفاده آنها و یا دیگر فرصت‌طلبان شود و موجب وقوع جرائمی چون تخلفات اداری بزرگ، حسابرسی و حسابداری صوری و متقلبانه، اختلاس و اخلال در نظام پولی و مالی کشور گردد و یا حتی در بهترین حالت، با تمرکز مالی نابجا و سرمایه‌گذاری

مدیران بر طرحهایی که منافع کوتاهمدت یا کاذب دارند، زمینه ورشکستگی بانکی را موجب شود.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، حاکمیت شرکتی را بدین شرح تعریف نموده است: «مجموعه روابط میان مدیریت، هیئت مدیره، سهام داران و دیگر ذی نفعان یک شرکت می باشد که تعیین کننده ساختاری است که توسط آن، اهداف شرکت و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد آنها مشخص می گردد. حاکمیت شرکتی خوب، باید انگیزه های مناسبی را برای هیئت مدیره و هیئت عامل به منظور دنبال نمودن اهداف سازمان و در راستای منافع شرکت و سهام داران آن فراهم نموده و نظارت مؤثر را تسهیل نماید. وجود یک سیستم حاکمیت شرکتی مؤثر در یک شرکت یا گروهی از شرکت ها یا به طور کلی در عرصه اقتصاد، به ایجاد اطمینان لازم برای عملکرد صحیح اقتصاد مبتنی بر بازار کمک می نماید.

بدون شک، وضع قوانین و مقررات کلی، با استفاده از ابزارهای حقوقی کنترل و نظارت بر بانکها، از سازوکارهای مدیریتی حاکمیت شرکتی بوده که از اولویت زیربنایی برخوردار است. به نحوی که بدون تهیه و تدوین و اصلاح مقرره های مربوط به حسابداری و حسابرسی بانکها به عنوان ضوابط جزئی تا قوانین شرکتها، بورس و بازار سرمایه به عنوان ضوابط کلی، نمی توان به اهداف پایدار حاکمیت شرکتی نائل شد. لذا با پیش بینی چنین راهکارهای حقوقی است که می توان از بروز جرائم پولی و مالی در بانک جلوگیری مؤثری به عمل آورد. علاوه بر فواید حقوقی استقرار نظام حاکمیت شرکتی در بانک، لازم است بر فوائد آن از منظر حقوق کیفری نیز توجه ویژه ای به عمل آید. پیشگیری از جرم، همواره از اولویت خاصی نسبت به ضمانت اجراهای کیفری و مجازات برخوردار و این مهم در حوزه بانک داری پررنگ تر است، چراکه پیشگیری از جرائم بانکی،<sup>۵</sup> ضمن آن که نسبت به مجازات، هزینه کم تری را شامل می شود، از اثربخشی بیشتری نیز برخوردار است. به نحویکه پس از وقوع جرائم بانکی، با مجازات عاملین آنها نمی توان بخش زیادی از خسارتهای وارده به وسیله جرم را جبران نمود. ضمن آنکه ابزارهای پیشگیری، مجموعه از

(با تاکید بر قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰)

بازدهی‌های مالی و اقتصادی را نیز به دنبال خود خواهد آورد. در این بین، حاکمیت شرکتی بانکی، مؤثرترین ابزاری است که می‌توان برای پیشگیری از جرائم بانکی به آن بسنده کرد.<sup>۱۷</sup> در واقع در حاکمیت شرکتی می‌توان به اصول ۱۴ گانه استانداردهای بازل و اجرای آن در بانک‌ها اشاره کرد که از منابع نرم تنظیم بانکی محسوب شده و استانداردهای مذکور با توصیه‌های مربوطه برای فعالیت بهتر بانک در سطح جهانی پیش بینی شده است و عملیاتی کردن آن موجب کاهش جرائم و تخلفات در حیطه بانکی می‌گردد.<sup>۱۸</sup>

در تعریف مضیق از جرایم بانکی، جرایم بانکی به جرایمی گفته می‌شود که تنها مجرای ارتکاب آنها عملیات بانکی است و بدون توسل به عملیات بانکی، ارتکاب این جرایم امکانپذیر نیست؛ مانند تأسیس بانک بدون اخذ مجوز فعالیت از بانک مرکزی، اشتغال به عملیات بانکداری بدون رعایت مقررات قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، استفاده غیرمجاز از عنوان بانک توسط مؤسسات اعتباری غیربانکی (موضوع بند «ب» ماده ۴۲ قانون فوق)، مداومت در اشتغال غیرمجاز به عملیات بانکی (موضوع تبصره ۴ ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی مصوب ۱۳۸۳) و ادامه تصدی مدیران متخلف در حوزه پولی و بانکی پس از سلب صلاحیت حرفه‌ای و انفصال از مسئولیت مربوطه توسط بانک مرکزی (موضوع تبصره ۳ ماده ۹۶ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹). با توجه به تعریف مضیق فوق، جرایم بانکی صرفاً از سوی خود بانک صورت می‌گیرد که تعداد محدودی را دربرمی‌گیرد که در بالا به آنها اشاره گردید.<sup>۱۹</sup>

17 . Aghelinezhad, Mohammad Amin. (2015). Corporate Governance in Banks. First Edition. Tehran: Javedaneh Pub. [In Persian]. P.3

18 . جاهد، محمدعلی، غلامی، حسین و علیزاده، رامین، پیشگیری از جرایم بانکی از طریق اعمال ضوابط حاکمیت شرکتی، دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره جدید، سال بیست و ششم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۹۸، صص ۷۸-۸۱.

19 . علیزاده، رامین و غلامی، حسین، پیشگیری از جرایم بانکی از طریق ارتقای مسئولیت اجتماعی، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۵، ۱۳۹۹،

بی تردید شفاف سازی و قانونمند سازی فرآیند انجام معاملات، یکی از بزرگترین راهکارهای جلوگیری از فساد در نظام مالی و اقتصادی هر کشوری است. شفافیت در عامیانه ترین و طبیعی ترین معنای خود واژه ای تمثیلی است: «زمانی به یک ضابطه، قانون، یا فرایند حقوقی شفاف میگوییم که بتوان به راحتی آن را درک نمود». دقیقاً مانند زمانی، که از طریق یک پنجره شفاف قادر به مشاهده اشیا هستیم.<sup>۲۰</sup> فرایند و نتایج ابزارهای حقوقی نیز، باید به آسانی قابل درک بوده و دامنه حقوق و تکالیفی که ایجاد می نماید برای مخاطبین آن به راحتی قابل ارزیابی باشد و چنانچه دارای این معیارها نباشد، قانون مورد نظر «غیرشفاف» نامیده میشود. در غیاب شفافیت یا دسترسی آزادانه به اطلاعات، اقدامات نظارتی نمی توانند سرانجامی مطلوب داشته باشند. بنابراین یکی از مهمترین مولفه های دستیابی به نظارت کارآمد، وجود نظام اطلاعاتی شفاف و امکان دسترسی به اطلاعات یا افرادی است که از اطلاعات و سوابق مورد نیاز با خبر هستند. استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به ویژه اکنون که سرمایه گذاری عظیمی برای تجهیز ادارات و سازمانها به رایانه و اینترنت صورت گرفته است، می تواند بسیار تسهیل کننده باشد. امروزه می توان با استفاده از نرم افزارهای مناسب و طراحی و ایجاد نظام گردآوری و پردازش اطلاعات همراه با جزئیات، دسترسی به اطلاعات را افزایش داد. نظارت دقیق، به هنگام و هوشمند بدون استفاده حداکثری از فناوری اطلاعات و ارتباطات میسر نمی شود.<sup>۲۱</sup>

اندیشمندان حوزه های مختلف علوم اجتماعی دلایل متعددی را برای توجیه شفافیت اداره مطرح کرده اند که برخی از مهم ترین آنها را می توان شفافیت به مثابه شرط حداقلی تحقق نظارت و پیش گیری از فساد، شفافیت به مثابه عنصر مرکزی پاسخ گویی و

<sup>20</sup> . Mock, William, "An Interdisciplinary Introduction to Legal Transparency: A Tool for Rational Development", Dickinson Journal of International Law (now Penn State International Law Review), Vol. 18,2000, p. 295.

<sup>21</sup> . Halpin, Edward Francis et al. (2013) Digital Public Administration and E-Government in Developing Nations: Policy and Practice, London: Information Science.

مشروعیت اقتدار عمومی، شفافیت به مثابه حق بنیادین و بالاخره تأثیر شفافیت در افزایش اعتماد عمومی و مشارکت شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی در نظر گرفت.<sup>۲۲</sup>

یکی از شرایط حداقلی تحقق «نظارت» به مثابه یکی از اصول بنیادین حقوق عمومی، رویت‌پذیری موضوع نظارت است. در توضیح باید گفت که اگر میان ناظر و موضوع نظارت، مانعی باشد، اساساً نظارت تحقق نمی‌یابد. به عبارت دیگر، شرط دیده شدن، «شفافیت» است که امکان دسترسی به اطلاعات را فراهم و ساختمان‌هایی شیشه‌ای برای سازمان‌های تحت نظارت ایجاد می‌کند. این ادعا که «فساد» در مکان‌های مخفی رشد می‌کند و از مکان‌های عمومی اجتناب می‌ورزد<sup>۲۳</sup>، ناظر بر همین موضوع است.<sup>۲۴</sup> بر اساس چنین رویکردی، شفافیت در این جا نه لزوماً به مثابه «ارزش»، بلکه چون «روش» نیز توجیه‌شدنی است؛ روشی که برای هر نوع سامانه حکمرانی با هر درون‌مایه‌ای لازم و ضروری است.

۲۲. هداوند، مهدی و یحیی زاده، جواد، شفافیت اداره و منابع و مبانی موجه ساز تحدید آن، مطالعه موردی قانون " دولت زیر نور خورشید " ایالات متحده آمریکا، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری سال چهارم / شماره یازدهم / تابستان ۱۴۰۱، ص ۱۷۳

23. Hartle, T. W. & S. R. Chitwood, "Increasing Public Access to Government: The Implementation and Impact of The Government in The Sunshine Act", Government Publications Review, 1983, Vol. 10, No. 3, p. 269

۲۴. سازمان غیر دولتی جهانی « شفافیت بین‌الملل » که برای مبارزه با فساد ایجاد شده است، در یکی از گزارش‌های خود از حق دسترسی به اطلاعات به‌عنوان مهم‌ترین ابزار و سلاح علیه فساد نام می‌برد. نک: احمدی، سید علی‌اکبر و همکاران، فساد اداری و مالی در سازمان‌های امروزی، تهران: فوژان، ۱۳۹۴، ص ۱۶؛ انصاری، باقر، «مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات»، نامه حقوقی، ۱۳۸۶، شماره ۱، ص ۱۴۱.

شفافیت در قلب فرآیندهای مدرن «پاسخ‌گویی» و مشروع‌سازی اقتدار عمومی جای می‌گیرد.<sup>۲۵</sup> کوتاه‌سخن آن‌که مبنای هسته پاسخ‌گویی، شفافیت است و اعمال نظارت و مآلاً پاسخ‌گویی، دلیل وجودی خود را از شفافیت - که خود نیز البته بر پایه حق مداری توجیه‌شدنی است می‌گیرد. هم‌چنین به باور برخی صاحب نظران، شفافیت مبتنی بر سه نظریه موجب ایجاد مشروعیت می‌گردد: «نظریه نمایندگی» از طریق افزایش کنترل، «نظریه دموکراسی مشورتی» با الزام در استدلال برتر و افزایش احترام به گروه‌های دیگر و «نظریه انصاف رویه‌ای» از رهگذار شفاف‌سازی رویه‌های عادلانه و تاش برای هر چه عادلانه‌تر کردن آن‌ها. بنا بر این، شفافیت عاملی در راستای فربه‌شدن مشروعیت در نظام‌های حقوقی - سیاسی است.

صرف نظر از این‌که شفافیت هم‌چون روش و شرط حداقلی نظارت در نظر گرفته شود یا سنجه‌ای در توسعه مشروعیت اقتدار عمومی تلقی گردد، خود، یک ارزش به‌شمار می‌رود. بر اساس همین رویکرد، شفافیت، «حق بر دانستن» است و از این منظر، ذیل حقوق بنیادین انسان قرار می‌گیرد. در واقع، شفافیت بر یک «حق غیر قابل مذاکره بر دانستن» استوار است که در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مطرح نظر قرار گرفته است. همان‌طور که ماده ۱۹ اعلامیه نیز تصریح می‌کند، آزادی بیان در باب مسائل عمومی بدون آزادی در آگاه بودن بی‌معناست. به‌عبارت دیگر، شفافیت بر این ایده تأکید می‌ورزد که مردم، فاعل‌های عقلانی خودمختاری هستند که می‌توانند بر خود

(با تأکید بر قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰)

<sup>25</sup> . Piotrowski, S. J., "The "Open Government Reform" Movement: The Case of the Open Government Partnership and U.S. Transparency Policies", American Review of Public Administration, 2016, Vol. 47, No. 2, p. 1

حکومت کنند و واضح است که تحقق حکمرانی بر خود به شدت بر شفافیت و فرآیندهای مرتبط با آن متکی است.<sup>۲۶</sup>

به باور برخی نویسندگان، مهم‌ترین و عقلایی‌ترین دلیل برای شفافیت آن است که مشارکت فعال شهروندان را در امور سیاسی و اجتماعی تقویت می‌کند. ضمن این‌که یکی از شاخص‌های مهم «حکمرانی مطلوب» در کنار شاخص‌هایی چون «حاکمیت قانون»، «آزادی اطلاعات»، «پاسخ‌گویی»، «مشارکت‌جویی» و «کارآمدی» را باید شفافیت دانست.<sup>۲۷</sup> شفافیت هم‌چنین عاملی برای بهبود روابط بین مقام‌های دولتی و عموم مردم در نظر گرفته شده است. تجربه‌های متعدد بشری نشان می‌دهد که آسراگرایی به دلیل محروم کردن مردم از آگاهی‌های لازم درباره امور جامعه، مشارکت و نظارت آن‌ها در اداره جامعه را تضعیف و چه بسا منتفی می‌کند. بنا بر این دیدگاه، «مخفی‌کاری اداری»، آثار منفی متعددی مانند کاهش اعتماد عمومی و مشارکت شهروندان در اداره امور سیاسی و اجتماعی را در پی خواهد داشت.

دگرگونی نگرش انسان معاصر از «تکلیف‌مداری» و «سلطه‌پذیری» در دوران کهنه‌شن و گرایش یافتن او به سوی «حق‌مداری» و «حق‌جویی» در دوران مدرن انکارناشدنی است. از این رو، اگر عصر حاضر را «عصر حق» و گفتمان غالب بر آن را «گفتمان حق» بنامیم، بیراه نگفته ایم. از سوی دیگر، اگر تعبیر «حقوق همچون اختراع» را بپذیریم، میتوان و باید تا زمانی به آن دانش‌گرانها تن در دهیم که گرهی از مشکلات کور جوامع پیچیده امروزی را بگشاید و بر اساس کارویژه اصلی خود حرکت کند. بر این اساس، نظام‌های حقوقی نیز بر مبنای عقلانیت موجه ساز خود ارج نهادنی

<sup>۲۶</sup> . هداوند و یحیی زاده، پیشین، صص ۱۷۴-۱۷۵

<sup>۲۷</sup> . هداوند، مهدی، «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر»، حقوق اساسی،

۱۳۸۴، شماره ۴، ص ۸۰.

هستند. بنا بر این، طبق «گفتمان حق» و «عقلانیت نظام حقوقی»، شفافیت به مثابه اصل توجیه شدنی و تحدید آن مستلزم اقامه دلایل متقن است. شفافیت، مفهومی موسع است که در حوزه‌های گونه‌گون علوم اجتماعی به کار میرود و دارای انواع مختلفی از جمله «شفافیت آسنادی» است. به طور کلی، شفافیت موجب افزایش پاسخگویی میشود و نظارت بر حکومت را تسهیل میکند.

در واقع، دسترسی به اطلاعات همچون ابزاری در نظام‌های دموکراتیک، برای نظارت بر سازمان‌های دولتی و کنترل آنهاست. به دیگر سخن، شفافیت، نقطه مقابل محرمانگی است. مفهوم اخیر در ذیل مفاهیم سترگی همچون «نظم عمومی» و «منفعت عمومی» به دنبال کاستن از شفافیت و افزایش اسرارگرایی است؛ مفاهیمی که بی‌گمان در عصر معاصر به دیده تردید به آنها نگریسته میشود. شفافیت، فراتر از رویکردهای فلسفی و در قالب صورتهای حقوقی از جمله قانونگذاری در عرصه نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی نمود و نماد یافته است.<sup>۲۸</sup>

مزایای بکارگیری اصل شفافیت سبب شده است که این اصل، در سیستم‌های حقوقی از جایگاه بالایی برخوردار باشد.<sup>۲۹</sup> با آنکه ریشه‌های اصل شفافیت را باید در حقوق داخلی جستجو نمود، اما این اصل در سده‌های اخیر، در حقوق بین‌الملل نیز، وارد شده و آن را متأثر ساخته است.<sup>۳۰</sup> با این حال، باید در نظر داشت که

<sup>۲۸</sup>. هداوند، مهدی و یحیی زاده، جواد، شفافیت اداره و مبانی و منابع موجه ساز تحدید آن؛ مطالعه موردی قانون " دولت زیر نور خورشید" ایالات متحده آمریکا، فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال چهارم، شماره یازدهم، ۱۴۰۱، ص ۱۷۰

<sup>۲۹</sup>. Bianchi, Andrea, "On Power and Illusion: The Concept of Transparency in International law, on: Bianchi, Andrea, Peters, Anne, Transparency in International Law. Cambridge University Press, 2013, p.12.

<sup>۳۰</sup>. Delbruck, Jost, "Transnational Federalism: Problems and Prospects of Allocating Public Authority Beyond the State (The Earl A. Snyder Lecture in International Law)", Indiana University School of Law, available at:

به واسطه ویژگیهای خاص حقوق بین الملل، اصل شفافیت، نتوانسته، بر تمامی عرصه های آن تأثیر یکسانی داشته باشد.<sup>۳۱</sup> به نحوی که با کمی اغماض می توان گفت که؛ شفافیت در همه عرصه های حقوق بین الملل امکان تجلی نیافته است. با توجه به وضعیت کنونی حقوق بین الملل، تبلور واقعی و عملی اصل شفافیت در معنای قاعده حقوقی دارای سطحی از الزام و ضمانت اجرا، بیشتر در عرصه حقوق بین الملل اقتصادی بوده است.

##### ۵. شفافیت در قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

با هدف افزایش شفافیت در نظام بانکی و سیاست گذاری در این زمینه و نیز، افزایش توان نظارت بانک مرکزی بر "اشخاص تحت نظارت" و ارتقای سلامت، اثربخشی و پاسخگویی شبکه بانکی (بند های پ و ت ماده ۲) و در سایر مواد قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰، رویکردهای قابل تحسینی را در راستای افزایش شفافیت در قلمرو اقدامات و سیاست گذاری های بانکی و پولی اتخاذ کرده است که به صورت خلاصه مورد اشاره قرار می گیرد.

##### ۱-۵. لزوم تنظیم کاربرگ عدم تعارض منافع

به طور کلی، تعارض منافع یا تراحم منافع (Conflict of interest) به شرایطی گفته می شود که افراد یا نهادها (دولت، رسانه، کسب و کار و مانند آن) با انتخاب «وظایف خود» یا «منافع شخصی یا گروهی مجزا» مواجه می گردند. تعارض منافع یکی از واژگانی است که در عمده علوم انسانی مثل حقوق و علوم سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. تعارض منافع/تعارض علائق/تضاد منافع / مناقشه منافع از دیگر واژه های همسان برای این کلمه است. در کل به معنای در عرض هم قرار گرفتن منافع مختلف است، به نحوی که نتوان یکی را بر دیگری ترجیح داد. به نظر میرسد کلمه تعارض منافع کافی و کامل نیست و کلمه تضاد منافع می تواند جانشین آن

<http://www.repository.law.indiana.edu/ijgls> (Last visited on: 08/02/2015).

<sup>31</sup>. Zoellner, Carl-Sebastian, "Transparency: An Analysis of an Evolving Fundamental Principal in International Economic Law", Michigan Journal of International Law, No. 27, Winter, 2006, p.580

شود. تعارض منافع یا همان تضاد منافع یکی از شاخصه های وجود فساد می باشد. متداول ترین اشکال تضاد منافع به شرح زیر است:

- سوء استفاده از منصب و معامله به سود خود:

در این حالت، فرد صاحب موقعیت در دولت، اداره، دادگاه و ... از اعتمادی که به او می شود سوء استفاده می کند و سازمان یا بخشی که در آن کار می کند را به معامله یا پرداختی هدایت می کند که به سود «فرد مسئول» منتهی می شود و نه به سود سهامداران یا افرادی که به او اعتماد کرده بودند. به طور مثال «کار کردن برای دولت و قرارداد بستن با شرکت خصوصی مشاوره ای که فرد تصمیم گیرنده، صاحب آن است» یا «استفاده از موقعیت در دولت تا برای نزدیکان و بستگان خود شغلی انتخاب کند و آنان را به استخدام دولت در آورد و یا شاغل بودن در دو جایی که منافع دو شغل در تضاد با یکدیگر قرار می گیرد.

- خویشاوندسالاری یا پارتی بازی:

برای جلوگیری از پارتی بازی معمولاً پیش از استخدام از افراد پرسیده می شود که آیا آنان با کارفرمایان یا استخدام کنندگان آن شرکت نسبتی دارند یا خیر؟ در این صورت، استخدام کننده می تواند از آن فرایند استخدام و نظر دادن درباره اینکه چه کسی استخدام شود، امتناع کند.

دریافت هدیه از افراد یا دوستانی که با آن ها کار می کنند و یا اینکه از شرکتی هدیه بگیرند که با سازمانی که در آن استخدام هستند، در اشتراک تجاری هستند. هدیه ها حتی می توانند شامل موارد به نظر غیرمهم و غیر تاثیرگذاری چون حمل و نقل یا مسکن شود. موارد دیگر از اعمال نامناسب در طبقه بندی های صحیح تری نیز دسته بندی می شوند. به طور مثال قبول کردن رشوه به عنوان فساد، استفاده از وسایل و تجهیزات دولت یا شرکت برای استفاده شخصی به عنوان کلاهبرداری یا فاش کردن اطلاعات حساس و مهم به عنوان نشت امنیتی طبقه بندی می شود. این گونه اعمال بیش از یک «تضاد منافع ساده» دانسته می شود.

از آنجا که سیاست گذاری در قلمرو معاملات بانکی، امری است که در تمامی سطوح حاکمیتی و نیز، بر زندگی تمامی شهروندان دارای آثار گسترده ای است، از

این رو، در ماده ۶۰ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰، از جمله سازوکارهای اساسی و بنیادینی که در ارتباط با تحقق شفافیت، مورد شناسایی قرار گرفته است، سازوکار مبتنی بر عدم وجود تعارض منافع می باشد که برای تمامی سطوح مدیریتی اعم از اعضای مجمع عمومی، هیأت عالی و شوراهای تخصصی ذیل آن، هیأت عامل، هیأت نظار، شورای فقهی، هیأت انتظامی، مدیران و سایر کارکنان مؤثر را مورد شناسایی قرار گرفته است.

به موجب این ماده: اعضای مجمع عمومی، هیأت عالی و شوراهای تخصصی ذیل آن، هیأت عامل، هیأت نظار، شورای فقهی، هیأت انتظامی، مدیران و سایر کارکنان مؤثر بانک مرکزی به تشخیص هیأت نظار مشمول احکام زیر هستند: الف - در ابتدا و انتهای دوره مسئولیت، باید «کاربرگ عدم تعارض منافع» را تکمیل نموده و به رئیس هیأت نظار تحویل دهند. رئیس هیأت نظار موظف است کاربرگ های تکمیل شده را برای رئیس قوه قضائیه ارسال کند. اطلاعات زیر باید در کاربرگ عدم تعارض منافع درج گردد:

۱- فهرست دارایی های خود، همسر و فرزندان در زمان آغاز مسئولیت در بانک مرکزی

۲- فعالیت های اقتصادی، مالی، تجاری و مشاغل تمام وقت یا پاره وقت خود، همسر و فرزندان در پنج سال گذشته

ب - در صورتی که انجام امور محوله و شرکت در جلسات و رأی گیری ها به نوعی مرتبط با منافع خود فرد یا بستگان درجه یک او باشد، باید موضوع را قبلاً به صورت مکتوب به رئیس هیأت نظار اعلام نماید.

پ - افراد مذکور در صدر این ماده که طبق قانون باید به صورت تمام وقت در خدمت بانک مرکزی باشند، نمی توانند همزمان شغل یا سمت موظف یا غیرموظف اعم از مدیریتی، کارشناسی یا مشاوره ای در بخش دولتی یا غیردولتی داشته باشند. این ممنوعیت شامل موارد مستثنی شده ذیل اصل یکصد و چهل و یکم (۱۴۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمی شود.

ت — اشخاص موضوع این ماده و همسر و فرزندان آنها نباید سهامدار مؤثر، عضو هیأت مدیره، هیأت‌عامل یا مشاور «اشخاص تحت نظارت» باشند.

ث - در صورتی که والدین، پدربزرگ، مادربزرگ، همسر فرزندان، فرزند فرزند، برادر یا خواهر اشخاص مذکور در صدر این ماده با یکی از «اشخاص تحت نظارت» دارای ارتباط مدیریتی یا مشاوره‌ای بوده یا سهامدار مؤثر آنها باشند، شخص مزبور موظف است موضوع را کتباً به رئیس هیأت‌نظار اطلاع دهد.

ج — انجام کار دائم یا موقت برای «اشخاص تحت نظارت» یا ارائه هرگونه خدمت به آنها، توسط اعضای هیأت‌عالی، هیأت‌عامل و هیأت‌های انتظامی پس از پایان دوره عضویت آنها به مدت سه سال و برای سایر اشخاص موضوع این ماده به مدت دو سال ممنوع است. در صورت عدم دریافت حقوق از محل دیگر یا عدم دریافت مستمری بازنشستگی، بانک مرکزی موظف است به این افراد حقوقی معادل میانگین دریافتی آنها در سال پایانی پرداخت کند. دریافت حقوق از محل دیگر جرم محسوب می‌شود و مجرم به پرداخت پنج برابر مبالغ دریافتی از بانک مرکزی پس از پایان خدمت، محکوم می‌گردد.

تبصره - مدیران و کارکنان سایر دستگاههای نظارتی که حسب تشخیص هیأت‌نظار در سه‌سال آخر قبل از بازنشستگی یا پایان خدمت مستقیماً با «اشخاص تحت نظارت» در ارتباط بوده‌اند نمی‌توانند به مدت سه‌سال، با آنها رابطه کاری اعم از مدیریتی، مشاوره‌ای و مانند آن برقرار کنند. مرتکب، به تمام یا بخشی از مجازاتهای درجه چهار موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

چ — در صورتی که معلوم شود افراد موضوع این ماده در زمان تصدی مسئولیت در بانک مرکزی یا طی دوره ممنوعیت پس از پایان مسئولیت، با «اشخاص تحت نظارت» همکاری داشته‌اند، علاوه بر الزام به پرداخت کلیه حقوق و مزایای دریافتی در دوران مسئولیت و ممنوعیت، به مجازات درجه چهار موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

ح — مقررات مربوط به برقراری رابطه مالی (مانند سپرده‌گذاری، دریافت تسهیلات، دریافت ضمانتنامه و گشایش اعتبار اسنادی) فی‌مابین افراد موضوع این ماده، همسر

(با تأکید بر قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰)

و فرزندان آنها و شرکتهایی که افراد موضوع این ماده، همسر یا فرزندان آنها مدیر یا سهامدار مؤثر آن شرکتها هستند، با «اشخاص تحت نظارت»، توسط رئیس کل تهیه می‌شود و به تصویب مجمع عمومی می‌رسد.

خ — اشخاص موضوع این ماده موظفند ضمن رعایت مقررات مذکور در بند «ح» این ماده، هرگونه رابطه مالی خود، همسر و فرزندانشان با «اشخاص تحت نظارت» و نیز هرگونه رابطه مالی شرکتهایی که آنها، همسر یا فرزندانشان مدیر یا سهامدار مؤثر آن شرکتها هستند را با «اشخاص تحت نظارت» که مبلغ آن از مبلغی که هیأت نظار در ابتدای هر سال تعیین می‌کند، بیشتر باشد، به هیأت نظار اعلام کنند. عدم اعلام موارد فوق در صورت اطلاع، جرم محسوب و مرتکب به مجازات درجه شش موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌گردد. د — در صورت احراز تخلف در عمل به احکام بندهای «الف» تا «ث» این ماده توسط هیأت نظار، شخص متخلف به پرداخت پنج برابر حقوق و مزایای دریافتی از زمان وقوع تخلف محکوم می‌شود.

همان گونه که در متن ماده موصوف نیز، ذکر گردیده است، ضمانت اجراهای کیفی متناسبی نیز، توسط قانونگذار برای تخطی از اصل پیش گفته مورد شناسایی قرار گرفته و باید اذعان داشت که در صورت اجرایی و عملیاتی شدن این موضوع در بانک مرکزی ایران، می‌تواند نوید بخش تحولی عظیم در زمینه افزایش شفافیت و پیشگیری از مفاسد ناشی از موضوع تلقی گردد.

#### ۲-۵. اصل لزوم انتشار مصوبات و مذاکرات بانک مرکزی

بند الف ماده ۱۱ قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در راستای اهداف نگارش مقاله حاضر مبنی بر افزایش شفافیت در قلمرو تصمیم سازی ها و سیاست گذاری های مهمترین نهاد اثرگذار پولی و بانکی کشور، اصل لزوم انتشار مصوبات و مذاکرات بانک مرکزی را مورد شناسایی قرار داده است. به موجب این بند: اصل در مذاکرات و مصوبات هیأت عالی و سایر ارکان بانک مرکزی، غیرمحرمانه بودن و انتشار عمومی آنهاست. بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات

هیأت‌عالی را نهایتاً تا ده روز کاری پس از برگزاری جلسه از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی خود منتشر کند.

ب- موارد زیر از انتشار عمومی مستثنی هستند:

- ۱- موضوعات مؤثر بر امنیت ملی و اسرار حاکمیتی
- ۲- اطلاعاتی که افشای آن‌ها مصداق نقض حریم خصوصی یا اسرار تجاری اشخاص حقیقی یا حقوقی باشد.
- ۳- مذاکرات و تصمیماتی که انتشار آن‌ها قبل از نهایی شدن می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار بگیرد.

بنابراین، ملاحظه می‌شود که تاثیر تحقق این رویکرد مبتنی بر شفافیت در تمامی سطوح جامعه اعم از زمینه‌های اقتصادی و غیراقتصادی، غیرقابل انکار است. قابل ذکر است که قبلاً نیز، در مواد ۲ و ۵ قانون دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ و همچنین سایر قوانین و اسناد بالادستی از جمله مفاد بند های ۱۹ و ۲۳ سیاستهای ابلاغی مربوط به اقتصاد مقاومتی، قانون حمایت از افشاگران فساد مصوب ۱۴۰۲/۹/۱۴، قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب، ۱۳۹۰/۰۲/۲۹، قانون نظارت بر مسافرتهاى خارجى کارکنان دولت مصوب، ۱۳۷۳/۰۶/۲۰، آیین نامه پیشگیری و مقابله نظام مند و پایدار با مفسد اقتصادی در قوه مجریه مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ هیأت وزیران، قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی مصوب آذر ماه ۱۳۱۵، قانون نحوه نظارت مجلس شورای اسلامی بر انعقاد قراردادها در دستگاههای اجرایی مصوب، ۱۳۸۱/۰۷/۲۹، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸/۰۳/۱۹، قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و.. به این حق اساسی شهروندان تصریح گردیده و شبیه همین تکلیف برای تمامی موسسات عمومی مورد شناسایی قرار گرفته است.

۳-۵. نظارت بانک مرکزی بر اقدامات مظنون به پولشویی

بند الف ماده ۴۲ قانون مورد بحث نیز، در راستای افزایش شفافیت پذیری اقدامات مالی است که به موجب آن، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مکلف به نظارت

بر اقدامات مظنون به پولشویی در شبکه بانکی شده است. این بند از قانون مقرر می دارد: بانک مرکزی مکلف است موارد مظنون به پولشویی را به همراه اطلاعات مربوط، به مرکز اطلاعات مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی گزارش نموده و پس از تأیید آن مرکز، نسبت به مسدود نمودن حساب اشخاص مظنون به پولشویی و محدودسازی ارائه خدمات بانکی به آنها اقدام کند. مرکز اطلاعات مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است براساس رویه های داخلی خود و حداکثر ظرف دو روز کاری، نسبت به تأیید یا عدم تأیید گزارش بانک مرکزی اقدام نماید. اشخاصی که حساب آنها به موجب این بند مسدود می شود، می توانند اعتراض خود را به بانک مرکزی تسلیم کنند. اعتراض وارده، حداکثر ظرف سه روز کاری از زمان ثبت اعتراض، در شورایی با حضور نماینده دادستان کل کشور، نماینده رئیس کل و نماینده رئیس مرکز اطلاعات مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی رسیدگی می شود. در صورتی که مستندات ارائه شده، توسط اکثریت اعضای شورا کافی تشخیص داده شود، بانک مرکزی موظف است نسبت به رفع مسدودی حساب و محدودیت های اعمال شده اقدام کند، در غیر این صورت پرونده متقاضی به دادسرای ویژه رسیدگی به جرائم پولی و بانکی ارسال می شود. دادسرای ویژه رسیدگی به جرائم پولی و بانکی موظف است حداکثر ظرف یک هفته نسبت به تداوم یا رفع مسدودی حساب موردنظر و سایر محدودیت های اعمال شده، تصمیم گیری نماید. حکم این بند نافی و وظایف و اختیارات مرکز اطلاعات مالی وزارت امور اقتصادی و دارایی مصرح در قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲، نیست.

در نظام حقوقی اسلام نیز، شفافیت اقتصادی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. از جمله در زمینه عقود متعددی که طرفین با یکدیگر منعقد می نمایند و حق فسخ ناشی از عدم شفافیت برخی از شروط و تعهدات قراردادی و مسائلی از این قبیل که نشانگر توجه مبانی فقهی به این موضوع مهم در عرصه معاملات و مبادلات مالی است. در آیات قرآن، جوامع روایی و کتب فقهی، در آداب و چگونگی داد و ستد، مطالب ارزنده ای ذکر گردیده که برخی از آنها گویای اهمیت شفافیت در معاملات

است<sup>۳۲</sup>. به گونه ای که فقه اقتصادی یکی از شاخه‌های علم فقه بوده و منظور از آن فقه اموال می باشد که عبارت است از علم به احکام افعال انسان درباره اموال است. فقه اقتصادی مانند فقه غیر اقتصادی بر مسائل و قواعد مشتمل است<sup>۳۳</sup>. در این راستا قواعد متعددی همچون قاعده نفی غرر، قاعده لا ضرر، قاعده اکل مال به باطل، قاعده وجوب اعلام الجاهل فی ما یعطی، قاعده غرور و تدلیس، قواعدی هستند که مبتنی بر شفافیت در معاملات اقتصادی بوده و بر آن تاکید دارند.

<sup>۳۲</sup>. جهت مطالعه بیشتر: ک: عبدالله زاده و دیگران، همان، صص ۶۳-۳۳.  
<sup>۳۳</sup>. میرمعزی، سیدحسین، فقه اقتصادی و اقتصاد اسلامی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۱۵، ۱۳۹۴، ص ۱۵.

## نتیجه گیری و پیشنهادات

مقوله شفافیت، به عنوان اصل توانمند ساختن عموم برای به دست آوردن اطلاعات در مورد عملیات و ساختارهای یک نهاد معین تعریف می شود. شفافیت، سریع ترین، کم هزینه ترین، ساده ترین، مبنایی ترین و قابل اعتمادترین سازوکار برای مبارزه با فساد (هم در پیشگیری و هم کشف جرم)، افزایش مسئولیت پذیری و پاسخگویی، ارتقاء شایسته سالاری، مشارکت فعال و مؤثر مردمی، کاهش هزینه و زمان، و در نتیجه افزایش کارآمدی و سرمایه‌ی اجتماعی است. بانک جهانی دارای معیار جامعی برای سنجش شفافیت و میزان ارتباط آن با مقوله فساد است. یکی از راهکارهای اساسی مبارزه با فساد، محدود ساختن فعالیتهای اقتصادی دولت و تشویق بخش خصوصی به مشارکت در فعالیتهای اقتصادی است. در حوزه بودجه بندی، خط مشی گذاری و تنظیم رویه ها، برابری استفاده از منابع و کاهش فساد و اتلاف منابع تأثیر شایان توجهی دارد. نقطه عزیمت برای تغییر در ساختارهای اقتصادی، شفاف سازی فرآیندها و ایجاد یک سازوکار برای نظارت عمومی است. به روز بودن داده ها، ایده ها و چشم اندازهای نهادهای مالی مسیر تازه‌ای از شفافیت سازمانی را فرا روی آنها قرار می دهد و نویدبخش کاهش فساد و بهبود عملکرد آنهاست. شفافیت در بیشتر موارد با "علنی بودن" و "افشاگری"، مترادف در نظر گرفته می شود. به باور برخی صاحب نظران، شفافیت با "قطعیت حقوقی" نیز مرتبط است، اگر چه نباید این همانی بین آن دو برقرار کرد. هم چنین شفافیت، واژه‌ای موسع است که بر بخش‌های گوناگونی اعمال می شود: "شفافیت سازمانی"، "شفافیت حسابداری و بودجه"، "شفافیت اعمال و مسئولیت‌های حکومت" و "شفافیت اسنادی".

در همین ارتباط، بانکهای مرکزی می بایست در تنظیم سیاستهای پولی، ارزی و اعتباری، مستقل عمل کنند و تحت نفوذ سیاسی و دولتی نباشند؛ در عین حال باید در خصوص عملکرد خود پاسخگو باشند. پاسخگویی بانک مرکزی مستلزم آن

است که سازوکارهایی برای مجازات رفتار بانک مرکزی وجود داشته باشد و در اینجاست که اهمیت سیاست کیفری در قبال فعالیتهای بانکی پررنگ تر میشود.

در قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰، سازوکارهای متعددی در راستای افزایش شفافیت پذیری سیاست گذاری در قلمرو تصمیم سازی ها و معاملات بانکی به ویژه در خصوص نهادها و اشخاص حقوقی تحت نظارت مورد شناسایی قرار گرفته است که از جمله این سازوکارها، شناسایی نهاد عدم تعارض منافع در خصوص تمامی مدیران و تصمیم سازان بانک مرکزی و پیش بینی ضمانت اجرای کیفری برای این موضوع، شناسایی اصل لزوم انتشار تمامی مذاکرات و مصوبات بانک مرکزی، نظارت بر اقدامات مظنون به پولشویی در شبکه بانکی و همچنین نظارت ضابطه مند بر تمامی فعالیت های اشخاص حقوقی تحت نظارت و... که می تواند نوید بخش تحقق مقوله بنیادین شفافیت در قلمرو مورد بحث باشد.

در همین راستا، پیشنهاد می شود که در راستای نظارت پذیری و افزایش شفافیت اقدامات بانکی، مسیولیت اجتماعی بانک ها، گسترش یابد و همچنین بیش از پیش نسبت به بهره گیری از سامانه های رایانه ای و اینترنتی در راستای انجام تمامی اقدامات و معاملات بانکی اقدام گردد. همچنین الزام بانکها به افشای اطلاعات اعتباری افراد در شعب مختلف خود و اطلاعات همه پرونده های اعتباری به نهادهای ناظر و همچنین رتبه بندی اعتباری و اقداماتی از این قبیل می تواند نقش بسزایی در راستای افزایش شفافیت در اقدامات بانکی باشد؛ البته ناگفته نماند این مسئله در بین بانکهای ایرانی به دلیل برداشت غلط از "اصل رازداری یا محرمانگی بانکی" banking secrecy صورت نمی پذیرد. استانداردسازی و نظارت دقیق حسابرسی بر صورت های مالی بانکها جهت دستکاری نکردن و عدم آرایش صورت های مالی به منظور شفاف شدن عملکرد واقعی بانکها بویژه در زمینه دارایی ها و سرمایه گذاری ها، انتشار منظم مجموعه ای از اطلاعات درباره سیاستهای پولی و اعتباری کشور، از جمله: عملکرد آماری گذشته نظام پولی و بانکی، در بازه های زمانی منظم و در قالب های قابل استفاده توسط ماشین؛ تصمیمات سیاستی شورای پول و اعتبار، به صورت انتشار صورت جلسات، برگزاری نشست خبری و... بلافاصله پس از

(با تاکید بر قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۴۰۲/۳/۳۰)

جلسات شورا؛ پیش‌بینی‌های مقامات پولی از عملکرد شاخصهای کلان نظیر تورم، تورم‌های بخشی، رشد... از جمله پیشنهادهایی است که می‌تواند در محور مورد بحث، مورد توجه سیاست‌گذاران تقنینی - اجرایی قرار گیرد.

#### منابع

۱. احمدی، سید علی‌اکبر و همکاران، فساد اداری و مالی در سازمان‌های امروزی، تهران: فوژان، ۱۳۹۴
۲. انصاری، باقر، «مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات»، نامه حقوقی، ۱۳۸۶، شماره ۱
۳. جاهد، محمدعلی، غلامی، حسین و علیزاده، رامین، پیشگیری از جرایم بانکی از طریق اعمال ضوابط حاکمیت شرکتی، دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره جدید، سال بیست و ششم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۹۸
۴. عبدالله زاده، رحمت‌الله، عبداللهی آرابی، مصعب، غفورزاده، حسین، شفافیت اقتصادی در اقتصاد اسلامی (با پافشاری بر منابع قرآنی و روایی)، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ۱۷، شماره ۶۸، زمستان ۹۶
۵. علیزاده، رامین و غلامی، حسین، پیشگیری از جرایم بانکی از طریق ارتقای مسئولیت اجتماعی، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۵، ۱۳۹۹
۶. میرمعزی، سیدحسین، فقه اقتصادی و اقتصاد اسلامی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۱۵، ۱۳۹۴
۷. هداوند، مهدی، «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر»، حقوق اساسی، ۱۳۸۴، شماره ۴

۸. هداوند، مهدی و یحیی زاده، جواد، شفافیت اداره و مبانی و منابع موجه ساز تحدید آن؛ مطالعه موردی قانون " دولت زیر نور خورشید " ایالات متحده آمریکا، فصلنامه پژوهش های نوین حقوق اداری، سال چهارم، شماره یازدهم، ۱۴۰۱

1. Erkkilä, T., Government Transparency Impacts and Unintended Consequences, London: Palgrave Macmillan, 2012

2. Florini, A., The Right to Know Transparency for an Open World, New York: Columbia University Press, 2007.

3. Lathrop and Ruma, Open Government, Sebastopol: O'Reilly Media, 2010.

4. De Fine Licht & Others, "Does transparency generate legitimacy? An experimental study of procedure acceptance of open and closed-door decision-making", QoG Working Paper Series, 2011, Vol. 8, No. 1, p.p. 1-32;

5. Etzioni, A., "Is Transparency the Best Disinfectant?" The Journal of Political Philosophy, 2010, Vol. 18, No. 4, p.p. 389-404

6. Pasquier & Villeneuve, "Organizational barriers to transparency: a typology and analysis of organizational behavior tending to prevent or restrict access to information", International Review of Administrative Sciences, 2007, Vol. 73, Issue 1, p. 148

7. KAUFMAN, BELLVERAND DANIEL, ANA, TRANSPARENCING TRANSPARENCY: INITIAL EMPIRICS AND POLICY APPLICATIONS, MUNICH PERSONAL REPEC ARCHIVE, 2005, P.4

8. LINDSTEDT, NAURIN AND CATHRINA, DANIEL, TRANSPARENCY AGAINST CORRUPTION. A CROSS-COUNTRY ANALYSIS, MANUSCRIPT. GOTEBOG UNIVERSITY, 2007, P. 6.

9. STURGES, PAUL, WHAT IS THIS ABSENCE CALLED TRANSPARENCY? , INTERNATIONAL REVIEW OF INFORMATION ETHICS, VOL.7, NO.26, 2007, P. 5.

10. ZHU, KEVIN, “ INFORMATION TRANSPARENCY OF BUSINESS – TO- BUSINESS ELECTRONIC MARKETS: A GAME – THEORETIC ANALISIS”, MANAGEMENT SCIENCE, VOL.50, NO.5,2004, P. 1.

11. Aghelinezhad, Mohammad Amin. (2015). Corporate Governance in Banks. First Edition. Tehran: Javedaneh Pub. [In Persian]. P.3

12. Mock, William, “An Interdisciplinary Introduction to Legal Transparency: A Tool for Rational Development”, Dickinson Journal of International Law (now Penn State International Law Review), Vol. 18,2000, p. 295.

13. Halpin, Edward Francis et al. (2013) Digital Public Administration and E-Government in Developing Nations: Policy and Practice, London: Information Science.

14. Hartle, T. W. & S. R. Chitwood, “Increasing Public Access to Government: The Implementation and Impact of The Government in The Sunshine Act”, Government Publications Review, 1983, Vol. 10, No. 3, p. 269

15. Piotrowski, S. J., “The “Open Government Reform” Movement: The Case of the Open Government Partnership and U.S. Transparency Policies”, American Review of Public Administration, 2016, Vol. 47, No. 2, p. 1

16. Bianchi, Andrea, “On Power and Illusion: The Concept of Transparency in International law, on: Bianchi, Andrea, Peters, Anne, Transparency in International Law. Cambridge University Press, 2013, p.12.

17. Delbruck, Jost, “Transnational Federalism: Problems and Prospects of Allocating Public Authority Beyond the State (The Earl A. Snyder Lecture in International Law)”, Indiana University School of Law, available at: <http://www.repository.law.indiana.edu/ijgls> (Last visited on: 08/02/2015).